خط پلیس

کشف راز قتل پسر به دست پدر پس از ۷ سال

رییس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس کرمانشاه از افشای راز قتل پسر توسط پدر پس از ۷ سال خبر داد.

سرهنگ محمد قنبری اظهار کرد: چند روز پیش فـردی با مراجعه به کلانتری کرمانشـاه عنوان کرد باجناقـش یک روز قبل از مرگـش اعتراف کرده که پسـرش را ۷ سـال پیش به قتل رسانده و در حیاط خانه دفن کرده است.

وی افزود: در پی صحبت‌های این فرد، ماموران با گرفتن مجوز قضایی به منزل باجناق این فرد رفته و با کندن حیاط خانه استخوان‌های مقتول که طنابی دور سر آن پیچیده شده بود را کشف کردند.

قنبری اظهار کرد: در پیگیری‌ها مشـخص شـد خانواده مقتول ۷ سال پیش با مراجعه به پلیس اعلام می‌کنند پسرشان گم شده و پرونده مفقود شدن برای پسـر خانواده تشکیل می‌شـود که تاکنون مسکوت مانده بود.

وی افزود: پـدر مقتول لحظات پایانی زندگی‌اش، پس از ۷ سـال جنایت خود را به باجناقش می‌گوید و باجناق نیز پس از مـرگ او موضوع را با پلیس در میان می‌گـذارد. قنبری تصریح کـرد: در تحقیقات به عمل‌آمده سـایر اعضای خانواده مقتول نسبت به این قتل اظهار بی‌اطلاعی کرده و عنوان کردند پسـر خانواده فردی معتاد بوده که موجب آزار خانواده بود و با ناپدید شـدن او تصور کردند گم شده و به نیروی انتظامی مراجعه و برای او تشکیل پرونده دادند.

بازداشت مرد همسرکش

سـرهنگ داود امجدی، فرمانده پلیس ممسـنی اسـتان فارس گفت: ماموران کلانتری ۱۱ از طریق مرکز پلیـس ۱۱۰ از وقوع یک قتل خانوادگی مطلع شـدند و بلافاصله همراه اکیپی از کارآگاهان پای در قتلگاه گذاشتند. وی ادامه داد: با حضور ماموران دیده شد که زن ۲۵ سـاله با ضربات چاقو به شانه سمت راست به کام مرگ فرورفته است.

فرمانده پلیس ممسـنی اظهار داشـت: بلافاصله با انجام طرح مهار و افزایش گشـت‌های محسـوس و نامحسـوس قاتل که همسـر این زن است در یک عملیات غافلگیرانه و در کمتر از یک ساعت دستگیر شد و انگیزه خود را اختلاف خانوادگی دانست.

کمین پلیس قلابی برای شکار دختران

مرد شـیطان‌صفت لبـاس پلیس می‌پوشـید تا دختران جوان را فریب نیت شوم خود کند.

سـرهنگ قاسـم قربانی، رییس‌پلیس تویسرکان استان همدان گفت: پس از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر اینکه مردی در نقش مامور پلیس به تبهکاری سیاه دست می‌زند، بررسی‌ها برای شناسایی وی آغاز شد و تیم تحقیق پی برد این پلیس قلابی با سوءاستفاده از لباس پلیس قصد اغفال و فریب دختران جوان برای نیت‌های غیراخلاقی را داشته است.

سـرهنگ قربانی گفت: در ادامه تحقیقات پلیس قلابی شناسـایی و در یک عملیـات غافلگیرانه در مخفیگاهش دسـتگیر شـد. وقتی دو دست لباس پلیس و سـپاه با درجه سـتوان دومی و یک افشانه فلفلی ساخت کشـور آمریکا در بازرسی از مخفیگاه این مجرم به دسـت آمـد وی در بازجویی‌های فنی به جرم خـود مبنی بر فریب دختران جوان در نقش پلیس اعتراف کرد.

خط قرمز| تبهکار قدیمی که پشت میله‌های زندان است، تنها سرنخ از زورگیری‌های سه‌راهی سرگردان تهران شناخته شد. این مرد جوان می‌گوید اطلاعی از این سرقت‌های خشن در نقش مسافرکش ندارد.

تبهکاران در جنوب تهران پرسه می‌زدند

سرنخ زورگیران سه‌راهی سرگردان پشت میله‌های زندان

۱۹ دی‌ماه سـال گذشته، مرد جوانی با چهره‌ای آشفته به کلانتری ۱۵۶ شـهرک ولی‌عصر(عج) رفت و خواسـتار دستگیری ۳ زورگیر مسافرکش شد.

این مرد به ماموران گفت: در اتوبان جوانه منتظر تاکسی بودم که ۳ جوان سوار خودروی سفیدرنگ جلوی پایم ترمز کردند و با تصور اینکه راننده مسافرکش است، سوار شدم.

وی افزود: نرسیده به سه‌راهی سرگردان، جوانی که در صندلی عقب پیش من نشسـته بود، دستش را دور گردنم انداخت و سـرم را به پایین کشید و همدست دیگرش در صندلی جلو چاقویی را روی پهلویم گذاشـت و خواستند آرام باشم.

ترسـیده بودم و دزدان با سرقت گوشی موبایل، پول و مدارکم مرا در کنار خیابان رها کردند و با سرعت پا به فرار گذاشتند. با این ادعاها، تحقیقات پلیسی آغاز شد تا اینکه ماموران پی بردند موبایل سـرقتی دست مرد جوانی به نام «امین» است. ماموران وقتی سراغ رامین رفتند، پی بردند وی گوشی موبایل را از برادرزنش «مرتضی» گرفته است.

خیلی زود مشخص شد مرتضی یکی از تبهکاران قدیمی اسـت که به خاطر سـرقت از خانه و کیف‌قاپی به زندان افتاده اسـت. در این مرحله ماموران پی بردند که مرتضی روز ۲۵ شهریورماه سال جاری، در پرونده باند بزرگ سرقت از خانه‌ها دستگیر شده است.

بدین ترتیب دادیار مرشـدلو از شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران دستور داد مرتضی از زندان تحویل گرفته شود و پرده از راز سرقت گوشی موبایل بردارد.

مرتضی وقتی پیش روی دادیار پرونده ایسـتاد، گفت: در زورگیری هیچ نقشـی نداشـته‌ام و گوشی را از جوانی دستفروش به مبلغ ۶۰ هزار تومان خریده‌ام.

گفت‌وگو با دزد جوان

مرتضی که ۲۳ سـاله اسـت، ادعا می‌کند دیگر دست به دزدی نمی‌زند، چرا که ازدواج کرده اسـت و می‌خواهد زندگی سالمی را آغاز کند.

■ سابقه داری؟

بله، به خاطر سرقت خانه و زورگیری به زندان افتاده‌ام.

■ چرا دزدی؟

بیکار بودم و باید پول به دست می‌آوردم.

■ آخرین‌بار کی زندانی بودی؟

سـال گذشـته به خاطر زورگیری در زندان بودم که با سند آزاد شدم تا اینکه وارد باند سرقت از خانه شدم.

■ فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

کلاً ۵ بـار با این باند همکاری کـردم و چون حرفه‌ای بودند، فکر نمی‌کردم دستگیر شوم.

■ چه نقشی در این باند داشتی؟

با خودرویم به خانه‌هایی که می‌خواستیم دزدی کنیم، می‌رفتیم و وسایل سرقتی را بار خودرویم می‌کردیم.

■ ازدواج کردی؟

بله، اردیبهشت‌ماه امسال با مشکلات زیادی که داشتم، توانستم با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کنم.

■ مشکلات؟

من و همسـرم مدت‌ها بود همدیگر را می‌شـناختیم و وقتی دیدم خانواده همسرم با ازدواج ما مخالفت می‌کنند، تصمیـم به فرار گرفتیم و چنـد روز میهمان خانه یکی از آشنایانمان بودیم که خانواده همسرم زنگ زدند و به خاطر علاقه‌مان رضایت به ازدواج دادند.

■ حالا که در زندان هستی، همسرت قصد جدایی ندارد؟

خانواده همسرم خیلی فشار می‌آورند تا جدا شویم، اما همسرم هنوز حاضر است در کنار من زندگی کند.

■ بعد از آزادی دوباره دزدی می‌کنی؟

نه، چـون دیگر **نمی‌خواهم** به زندان بیفتم و به خاطر همسرم زندگی سالمی را شروع می‌کنم.

■ حرف آخر؟

پشیمانم و دوست دارم عید را پیش خانواده‌ام باشم.

بنابر این گزارش، با دسـتور دادیار مرشـدلو، این مرد زندانی در اختیار پایگاه ۵ پلیـس آگاهی تهران قرار دارد تا پرده از زورگیری در سه‌راهی سرگردان برداشته شود.

خط حادثه

در تهران رخ داد

۷ زخمی در تصادف ۲ اتوبوس

حسـن عباسـی، مدیر روابط عمومی اورژانس تهران گفت: ساعت ۳:۳۰ دوشنبه حادثه تصادف دو اتوبـوس با هم به مرکز ۱۱۵ اطلاع داده شـد که در آن سـه آمبولانس به محل حادثه واقع در اتوبان تهران - کرج بعد از پمپ‌بنزین وردآورد اعزام شدند.

وی افزود: پس از حضور تکنیسـین‌های پزشکی در محل مشـاهده شد دو دسـتگاه اتوبوس با هم تصادف کرده و ۷ مسـافر نیز در آن زخمی شده‌اند.

عباسـی گفت: همه مسـافران زخمی مـرد بودند کـه تحت درمان قرار گرفتنـد. وی با بیان اینکه ۴ زخمی این حادثـه دارای وضعیت بهتری بوده و به شکل سـرپایی در محل تحت درمان قرار گرفتند، خاطرنشان کرد: ۳ مرد مسافر ۳۵ و ۳۳ ساله بودند کـه پس از دریافت خدمات درمانـی برای مداوا به بیمارستان فیاض‌بخش منتقل شدند.

دردسر بیل مکانیکی در متروی نیمه‌کاره

سـیدجواد موسـوی، مدیـر روابـط عمومی آتش‌نشـانی کرج گفـت: برخورد بیـل مکانیکی با شـبکه اصلی انتقال گاز باعـث انفجار در خط ۲ متروی کرج شـد. وی افزود: این حادثه ساعت ۱۲ ظهر دوشـنبه در منطقه حصارک کرج رخ داد که نشت شدید گاز را در محل به همراه داشت.

وی ادامـه داد: حادثه تلفات جانی نداشـت و با حضور به‌موقع نیروهای امدادی و فنی آتش‌نشانی و شرکت گاز استان البرز عملیات ایمنی‌سازی و ترمیم این شبکه بلافاصله آغاز شد. موسوی گفت: وقوع این حادثه قطعـی گاز بخش‌هایی از منطقه پرجمعیت حصارک کرج را به دنبال داشـت. وی اظهار داشت: با ایمن‌سازی و ترمیم این شبکه که حدود ۶ ساعت زمان برد مشکل قطعی گاز ساکنان حصارک برطرف شد. موسـوی گفت: برای مهار این حادثه تیم‌های امدادی ایسـتگاه ۱۰۶ آتش‌نشـانی به محل اعزام شدند. بنابر این گزارش، خط ۲ قطار شهری کرج به طول ۲۷ کیلومتر در دست ساخت قرار دارد.

مجازات مرگ برای کارمند اخراجی در جنایت ۴۰ هزار تومانی

خط قرمز|کارمند اخراجی یک کارخانه وقتی در سرقت گاوصندوق ناکام ماند، نگهبان جوان را کشت و با برداشتن ۴۰ هزار تومان گریخت. این مرد پای میز محاکمه پیش روی ۵ قاضی دادگاه کیفری تهران ایستاد و گفت: سختگیری‌های کارفرما باعث شد کینه به دل بگیرم و به فکر سرقت از گاوصندوق بیفتم.

در جلسـه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی عزیزمحمدی و با حضور چهار قاضی مستشار تشکیل شد، ابتدا نماینده دادسـتان کیفرخواست را خواند.

وی اظهار داشـت: «مسعود» ۲۵ ساله متهم اسـت به دنبال دسـتبرد شبانه به کارخانـه‌ای در حوالی تهرانپارس نگهبان جوان به نام «شـهرام» را کشت و پس از دزدیدن ۴۰ هزار تومان گریخت. وی ادامه داد: در این ماجرا پسـرعمه مسعود به نام «رضا» نیز وی را همراهی می‌کرد. اکنون با توجه بـه مدرک‌های موجود در پرونده بـرای عاملان این جنایت اشـد مجازات می‌خواهم.

سـپس خانواده قربانی در جایگاه ویژه ایسـتادند و برای مسـعود حکم قصاص خواستند. همسر قربانی در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: شـوهرم نگهبان شرکت بود. پس از کشـته شـدن او به سـختی زندگی فرزندانـم را می‌گذرانم و نمی‌دانم چطـور در آینده پاسـخگوی زندگی آنها باشـم. من از طرف فرزندانم برای عاملان این قتل حکم قصاص می‌خواهم.

وقتی مسـعود پشـت تریبـون دفاع ایسـتاد، قتل را گردن گرفت و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: چند سال بود که در کارخانه کار می‌کردم، اما کارفرما حقوقم را سر وقت نمی‌داد. او هر بار به خاطر تاخیر در ورودم از حقوقم کـم می‌کرد و وقتی فهمید به دام اعتیاد افتاده‌ام اخراجم کرد، به همین خاطر به فکر انتقام افتادم.

وی ادامـه داد: ماجرا را با پسـرعمه‌ام رضا در میان گذاشـتم و قرار شـد طبق نقشه شـبانه برای دسـتبرد به کارخانه برویم. سـاعت ۲ نیمه‌شب مقابل کارخانه رفتیم، چون چراغ اتاقک نگهبانی خاموش بود، مطمئن شـدم نگهبان خواب است، به همین خاطـر از بالای در وارد کارخانه شدیم و سراغ گاوصندوق رفتیم. من و رضا با هم گاوصندوق را به حیاط کشـاندیم تا آن را با نیسـان کارخانه به بیرون منتقل کنیم، اما همان موقع شـهرام بیدار شد و به حیاط آمد. او سـر و صـدا راه انداخته بود که از ترسـم دهانش را گرفتم. با رضا دسـت و پای شـهرام را با طناب بستیم و او را در اتاقـک نگهبانی زندانی کردیم، اما چون نتوانستیم گاوصندوق را بدزدیم، از ترس آبرویم به اتاقک نگهبانی برگشتم و شـهرام را خفه کردم. وی در حالی که سـرش را پایین انداخته بود، ادامه داد: ما از داخل کشوی اتاقک نگهبانی فقط ۴۰ هزار تومان برداشتیم و فرار کردیم.

سپس متهم ردیف دوم در جایگاه ویژه ایسـتاد و گفت: باور کنید من و مسعود قصد قتل نداشتیم. من وضع مالی خوبی نداشتم و وقتی پسردایی‌ام پیشنهاد سرقت از کارخانه را مطرح کرد قبول کردم. قرار بود به کارخانه دستبرد بزنیم، اما شرایطی پیش آمد که ناچار دست و پای نگهبان را با طناب بسـتیم، سپس مسعود طناب را دور گردن نگهبان پیچید و او را کشت.

در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و مسعود را به قصاص و ۱۰ سال زندان به خاطر سـرقت مقـرون به آزار محکـوم کرد. رضا نیز به ۲۵سـال زندان محکوم شد.

خط سه و نیم ..... شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۳۰۳

یک تیم گرم و پرهیجان

طرفداران سه‌ونیم!
امروز سه و نیمی عزیز« نقیبی» معروف به «دهقان خلافکار» با شـماره ۰۹۳۰----۰۵۳۳پاسـخگوی پیامک های شماست.

■ ۰۹۱۵---۵۸۵۲ مامان سـه تا پسرا درسته شما قدیمی هستید ولی کسی این مدل اسم گذاشتن رو از شما تقلید نکرد چون وقتی شما پیام می‌دادین کسی همچین کاری نکرد ولی بعد از اینکه مامان آرش و اردشیر این مدل اسم می‌نوشت این کار خر شد (مامان آرش و اردشیر رو تنها گیر آوردین؟ من پشتشم). سوژه ستون

خب راسـت میگه دیگه ما رومون نمی‌شـد بهت بگیم وگرنـه خیلی وقته هی می‌خوایم بهت بگیم اون خودکار رو ببوس بذار کنار بذار راه برای بقیه باز بشه!

■ ۰۹۱۵---۵۵۳۴ دهقان جان اگه قراره مثل کریمی باشی پرچم سفید رو ببر بالا. دخـمـل بـابـا

شمام اگه قراره هنوزم بی‌محتوا و بی‌مزه باشی به فکر یه ستون خوب برای خودت باش!

■ ۰۹۱۵---۱۳۷۶ دهقان خلافکار؟ تا حالا اسـمت رو تو ستون ندیدم. تازه‌واردی؟ الی

نکه تو خیلی قدیمی و همه رو خوب می‌شناسی! بذار به هفته از زمان ورودت به ستون بگذره بعد سوال کن.

■ ۰۹۱۵---۷۲۶۴ خسـته نباشی خانوم کریمی امیدوارم از انتقادهای بچه‌ها ناراحت نشده باشی همین که واسـه ما وقت گذاشتی ممنونم. هیچکس

خدا قوت خانوم کریمی خسـته نباشـی. مگه میشه سه و نیمی بود و انتقادپذیر نبود؟

■ ۰۹۰۱---۱۳۲۰ شنبده بودیم دهقان فداکار ولی خلافکار! عجب دوره و زمونه‌ای شده ها. من چهار ماه شده سه و نیم می‌خونم ولی تا حالا دهقان خلافکار نشنیده بودم آقای نقیدی تا حالا به سه و نیم اس دادی؟ سید

آخه چهار ماه هم شد زمان؟ چی بگم تازه‌واردی دیگه!

■ ۰۹۳۸---۷۴۳۲ وای دوره آخر زمان شـده دهقان فداکاری انقدر معرفت داشت حالا شده خلافکار. ایمان یخی

میگم چرا هر چی بخاری ستون رو زیاد می‌کنیم ستون گرم نمی‌شه! بابا یخی یخ بستیم یه خورده تلاشت رو بشتر کن، آخه آدم این همه خنک.

■ ۰۹۳۰---۱۷۶۰ بچه‌ها پیش پیش عیدتون مبارک. عیدی ما یادتون نره. خودم

کـدوم عید؟ عید نوروز؟ جون من بذارین از یه هفته به عید تبریک بگین! خزش نکنین دیگه.

■ ۰۹۳۹---۹۱۲۸ ایمان یخی آبروی من رفته یا تو که با ادبت ستون رو ترکوندی؟ آدم چه چیزایی می‌شنوه. در ضمن اون لامبورگینی پلاستیکی رو واسه تو خریدم که باهاش بازی کنی. آررره. علیرضا کماندو

حالا چرا دعوا می‌کنین؟ اشـکال نداره یکی بشـینه اینور ستون و یکی هم اونور با هم بازی کنین!

■ ۰۹۱۵---۹۴۰۵ میگم این کریمی جان خیلی مهربونه دلش نمیاد همه رو ضایع کنه، آفریییین خیلی خوبه ضایع کردن زیاد هم خوب نیست، قابل توجه بعضیا. عاطفه خانوم

خانوم کریمی که رفت می‌خوای تا شـما رو ضایع نکردم دست هم رو بگیرین و برین خط فاصله؟! خوش بگذره! هها! می‌گذره!

■ ۰۹۱۵---۸۲۱۹ خیلی دوست داشتم مثل سوژه معروف بشم. زهرام

آخه یه آدم داغون که دیگه حسادت نداره!

■ ۰۹۳۵---۳۱۴۲ الان نم نم بارون در حال باریدنه و من خیلی دوست داشتم مثل همیشه زیر بارون قدم بزنم. ولی خب نمی‌شه. این ۳ ماه آخر هر ثانیه‌اش رتبه رو هوار تا بالا و پایین می‌کنه. ان‌شاءا... سال دیگه همین موقع با بر و بچه‌های دانشگاه بوووق زیر بارون خواهیم بود. محمدصالح

آرزو بـر جوانان کـه چه عرض کنم بـرای بچه‌ها عیب نیسـت ولی می‌خوای الان بـرو یـه دوری بزن چـون فکر نکنـم نه دانشـگاهی در کار باشـه و نه هم‌دانشگاهی!

■ ۰۹۱۵---۶۹۴۰ بچه‌ها دایی‌ام میگه این داستانک‌هایی که می‌نویسی بـد درد نمی‌خوره گفتم بغیبش که خوبه دیگه راسـت میگی خودت بنویس ببینم چی می‌نویسی! عجب مشـوق‌هایی دارم بازم لطف شما بچه‌های سه و نیمی. مامان آرش و اردشیر

خب راست میگه دیگه ما رومون نمی شد بهت بگیم و گرنه خیلی وقته هی می خواهیم بهت بگیم اون خودکار رو ببوس بذار کنار بذار راه برای بقیه باز بشه !

■ ۰۹۱۵---۵۸۵۲ کریمی خدا خیرت بده خیر از جوونیت ببینی آبجی بیا به جا من برو سربازی، من ن م ی خ و ا م برم نمی‌خوااااام می‌فهمی نمی‌خوام. سوژه ستون

تو نخوای بری هم من خودم به زور می‌فرستمت بذار هم‌خدمتی‌هات بدونن ما چی می‌کشیدم از دستت!

■ ۰۹۱۱---۸۴۰۶ زن‌داداش منم کریمیه، ولی تو خانواده‌شـون پسر خیلی کمه تا فامیلی زیاد بشه! نود درصد بچه‌هاشون دختر میشن، این فامیلی پنجاه ساله از جاش تکون نخورده. خاطره

ببینین دعوای خواهرشـوهر و زن‌داداش چقده عمیقه که به ما هم از مشـکل اونا پیام داده! فضول.

■ ۰۹۱۵---۲۵۹۱ سلام. فکر کنم نقیدی از فامیلای دهقان فداکاره. فکر کردی می‌تونی تو ستون خلاف کنی؟ امیر ده دو

می‌خـوای تو فکر نکنی؟ خب بذار فکرت همینجوری نو بمونه حیفه ازش کار می‌کشی ها.

■ ۰۹۱۵---۵۶۴۵ سلام تازه اومدم؛ پیام من رو چاپ کنید؛ چند روزه دلم بدجور گرفته؛ حداقل پیامم رو چاپ کنید خوشحال میشم. مهدی

چنان با ادب احوالپرسـی و درخواست چاپ پیام داشت که دلم نیومد ضایعش کنم. خوش اومدی.

■ ۰۹۱۵---۵۸۵۲ به بار گفتم چاپ نشد دوباره میگم من آبجی ندارم من و داداشم که اونم همین ضدسوژه. سوژه ستون

کلا این رو از در می‌اندازیم بیرون باز از پنجره میاد تو! یکی نیسـت این رو بره تحویل نظام وظیفه بده؟

■ ۰۹۳۰---۵۱۸۴ ببینید دوستان مگه ما سوژه و ضدش رو نداریم؟ خـوب دهقان خلافکار هم ضد فداکاره دیگه پـس اینقدر از دهقان پاسخگو نهراسید! کی گفته خلافکاری بده؟ من که میگم لایک دهقان لایک! تبلت بابا

خودت فهمیدی چی گفتی؟ الان تعریف کردی یا تخریب؟

■ ۰۹۱۱---۸۴۰۶ ای بابـا کریمی. خودت لـو دادی که دختری! من بی‌خود انقدر به مغزم فشار آوردم؟ خاطره

یکی شماره اورژانس رو بگیره این قرصا رو کلا اشتباه خورده داره از دست میره.

■ ۰۹۱۵---۲۵۹۱ سلام من اومدم! خوش اومدم! به جمعتون! دهقان فداکار چطوره؟ امیر ده دو

پیام‌های خودمونی

خب خوش اومدی دیگه! داری میری درم بیندا!

■ ۰۹۱۵---۵۵۳۴ دختر خاص اون ۱۸ سـاله شـده تو چرا خودت رو می‌کشـی؟ همچین هورا کشید که انگار یه سال به عمر شاتلی که فرستاد فضا اضافه شد! دخـمـل بـابـا

حـالا اون خوشـحالی کرده و بهش ربطی نداشـته! تو چـرا ناراحتی که اون خوشحاله؟!

■ ۰۹۱۱---۸۴۰۶ !!! دهقـان خلافکار تو اومـدی؟ چطوری؟ منم چوپان راستگو ام! خیلی وقته ندیدمت. دلم تنگ شده. از اون دوست فداکارمون که انگشتش رو انداخته بود تو سوراخ سد چه خبر؟ خاطره پ ن پ من رفتم! می‌خوای وسـط این همه سـوال یه نفسم بگیری؟ رنگت مثل ماست شد!

■ ۰۹۱۵---۹۳۴۹ پیر شدیم اما از آخر نفهمیدم کاربرد مداد سفید تو جعبه مداد رنگی چیه؟ مسیح

برگه مشکی ندیدی تا حالا نه؟ اصلا می‌دونی برگه چیه؟!

■ ۰۹۱۵---۴۰۰۲ یکی بید یکی نبید دو درخت بید بید که یکی بید بید یکی بید نبید حالا سوژه ستون بگه کدوم بید بید.

ببین تو کارت از قرص و دارو گذشته! یه همسایه یخچال‌ساز داریم که ما بهش میگیم حسن یخچال‌سـاز بیا بدیم درستت کنه آخه تو دیگه خیلی ستون رو خنک کردی!

■ ۰۹۳۹---۵۴۶۸ دهقان خلافکار کجایی؟ بیا ما رو نجات بده قندیل بستیم اینجا! رضا دگزا

تو دیگه از دست رفتی دهقان با اومدن منم کاری بشه کرد.

■ ۰۹۱۵---۳۵۲۳ ما در اعتراض به این وضع همینجا تحصن می‌کنیم. به کی بگیم: یه جای ثابت به ما بدین کارمون رو بکنیم. یه روز فشرده می‌شـیم می‌ریم گوشـه صفحه، پادرد و کمردرد می‌شیم. یه روزم دوصفحه‌ای می‌شیم اندر جا زیاده وسطنا و هفت‌سنگ بازی می‌کنیم. نه به این شوری شور و نه به اون بی‌نمکی. والا! موافقا بلایکن. پرنس

الان من بلایکم دوصفحه‌ای می‌شیم؟ شـمام جای گیر دادن یه پیام باحال و خنده‌دار بفرست دو دقیقه خوش باشیم دور همی.

■ ۰۹۳۶---۰۷۳۴ سـلام کریمی جون یکی دو روزی جوابات حالت مردونه بود یه مقدار خشـن و بی‌پروا، اما الان دوباره جوابات ظریف و لطافت خاص خودش رو داره. خسـته نباشی و همیشه موفق. مامان سحر و مامزینب

بابا ایهاالناس خانوم کریمی رفتن چرا ول کن نیستین؟

■ ۰۹۳۷---۴۹۱۵ شـاید این پیام وقتی چاپ بشه که دیگه نوبت کریمی تموم شده باشه. اما جواباش در نوع خودش جالب بود. مرسی کریمی. لایک داری. محمدم

باز تا سـه هفته بایـد به اینا توضیح بدم که کی رفتـه و کی اومده! می‌خوای روزنامه رو به روز بخونی؟

■ ۰۹۱۵---۱۳۷۴ اووپسسس چه خبره اینجا...! چه گپ جالبی راه انداختین، بچه‌ها من روزی چند صد تا اس بدم تا حداقل دوتاشـون چاپ بشن عایا؟ (دارم واسه انتخاب اسمم فکر می‌کنم).

روزی شونصدتا اس بده شاید در ماه یکیش چاپ شد البته قول نمیدم! می‌خوای فقط بخونی؟

■ ۰۹۳۵---۵۷۵۵ خسـته نباشی کریمی چون می‌دونم پیاما زیاده جواب دادنشم از همه سخت‌تره ولی کارت خوبه آبجی. راستی خاطره من از پسرخاله‌ام تشـکر کردم چون زحمت کشید برام پیگیر کارای عقب افتاده‌ام بود وقتی من جوابتـون رو می‌دادم... از همه طرفدارام ممنونم که سنگ تموم گذاشتن واسم... مامان اردشیر خیلی بامرامی ایول داری. رضا جنسیس

من الان جواب چی رو بدم؟ آخه خطاب به خانوم کریمی پیام داده بود! ولی رضا دلت پر بود ها! چشمام درد گرفت از بس طولانی بود!

■ ۰۹۳۶---۳۷۶۶ خنده از تـه دل می‌دونی یعنی چی؟ یعنی داری سـه و نیم می‌خونی یهو اس خودت رو می‌بینی، یخنی شـونصد بار می‌خونیش. چاپ نشه آب قطع کرکره پایین. ابوالفضـل بلا

شـما امروز خندیدی دیگه! اس نده بذار بقیـه هم تجربه کنن و ببینن خنده از ته دل یعنی چی!

■ ۰۹۱۵---۱۹۶۴ مامان آرش و اردشـیر تو کارت ۲۹ سال پیش رو داری؟! این که چیزی نیست من خود عروس دوماد ۲۹ سال پیشم دارم بعله به همچین آدمایی هستیم ما! دختر بهار (عروس کوچیکه مامان آرش و اردشیر)

اینا چه چیزایی دارن! کجا نگه می‌دارین اینا رو که خراب نمی‌شه؟! من گوشیم رو روزی سه بار گم می‌کنم بعد اینا...

■ ۰۹۳۳---۳۴۰۸ آخـی وقتی پیام محنا خانـم رو خوندم خیلی ناراحت شدم ان‌شـاءا... خدا یاسمین خانم و همه رفتگان رو بیامرزه. دختر خاص ستون

روحش شاد.

■ ۰۹۳۸---۶۵۵۴ سـلام به همگی بعد ۳ سال خوندن امروز بهتون اس دادم.

لطف کردی بعد سه سال! یعنی ۳ سال دیگه چی می‌خواد بگه؟!

■ ۰۹۱۵---۶۵۲۷ س. منم اومدم تو گروه. هادی معتمدی ۱۹ ساله

آخه این تازه‌واردا چرا اینقده بی‌مزان؟ با یه متن باحال بیا که بگیم دمش‌گرم یه باحال به جمعمون اضافه شد.

■ ۰۹۳۵---۹۱۷۳ سـلام به بچه‌های ستون قدیمی جدید تازه‌وارد. داداش کوچیکه

جای این پیامای بی‌مزه بگین پشـت ماشـینا جمله باحـال و خنده‌داری که دیدین چی بوده؟ بفرستین قشنگاش رو شاید یه خورده از این حالت بی‌مزگی درآمدیم!

■ ۰۹۳۵---۳۱۴۲ تو چقدر با ادبی کریمی. والا من خجالت کشیدم چیزی بهت بگم! محمدصالح

هه تو و خجالت؟

■ ۰۹۳۵---۵۷۵۵ علـی از خواجه‌ربیع دمت‌گـرم... رضا مولتی جنسیس

می‌خواین اینجـا رو هم مثل اونجایی که لایـک داره مطلب بذاریم و هر کی خوشش اومد لایک و دمت‌گرم بذاره؟!

■ ۰۹۳۶---۴۴۶۴ سلام. ای بابا من که چشمم به این گوشی خشک رفت کی جایزه‌ام رو میدین؟ اسـتوار پرتو خوش‌حسابی کن! مشتری شیم. سلام به دهقان خلافکار خوش آمدی داداش! اسدآقا

همچین میگه چشـمم به گوشی خشک شد انگار قراره میلیاردی بهش جایزه بدن! پاشو فکر نون کن که خربزه آبه!

بخش پایانی پاسخ های سه و نیمی عزیز کریمی به پیامک های شما

■ ۰۹۳۰---۱۹۲۰ خودمونیم، سوژه هم بعضی وقتا خونوک میشه ولی بچه خوبیه. باب اسفنجی

فقط کمی خونک.

■ ۰۹۱۵---۹۴۰۵ به قول کریمی آخخخخی نازززی، پرستو پرسپولیسی بیدار شو شما پایین(قله) جدول جاتون راحته، همونجا باشین چیزی کم و کسـر ندارین خدایی نکرده، بالای کوه نیاین‌ها سرما می‌خورین. خخخخخ. عاطفه خانوم

از خودت مایه بذار خانمی.

■ ۰۹۳۹---۶۰۹۴ سـلام، با تشکر که پیام من که در مورد فوت رفیقم و طرفدار سه و نیم مرحوم مسعود باقری را چاپ کردید و تشکر از مدیرعامل کریمی و زینب خانم و مهندس ستون که ابراز همدردی کردن و همه سه و نیمی‌ها ان‌شاءا... که پاینده باشید و غم نبینید.

خواهش کمتر کاری که از دستمون برمی‌اومد بود.

■ ۰۹۱۵---۶۲۹۰ کی مامان آرش اینا رو ناراحت کرده جدا از پیشکسوت بودنش مادره و احترامش واجب. شهریوری

مادرا مقدسن.

■ ۰۹۱۵---۵۵۳۴ (کریمی: ای بابا، نه بابا، باشـه بابا) سـر این بابا قفل کرده این بنده خدا واژه‌های بهتری هم می‌تونی به کار ببری جناب کریمی. دخـمـل بـابـا

دوست دارم ای بابا.

■ ۰۹۰۱---۳۰۳۷ سلاااام عاشـق تیم‌تونم دمتون‌گرم لطفا چاپ کنید خیلی دوسـتتون دارم به بار اس دادم چاپ نکردین خواهشا چاپ کنین اما من بیشتر با رضا جنسیس حال می‌کنم تا کریمی. شکوفه از مشهد

خب چی الان من می‌تونم رضا رو بیارم جواب بده؟

■ ۰۹۲۱---۷۸۶۷ از بچه‌های گلی که جـواب اس‌ها رو میده خواهش می‌کنم که بگن دختر هستن یا پسر با تشکر. ناجیه

من دخترم.

■ ۰۹۳۹---۲۱۶۸ سلام به سه و نیمی عزیز خوشم میاد خودت خودت رو لو دادی خانوم کریمی هه هه.

خوبه بیوگرافی دادما!

■ ۰۹۱۵---۳۵۲۳ الان یکی بگه ما اینجا اومدیم ضایع بشـیم یا ضایع کنیم بابا انقدر این کریمی رو ضایع کردین طفلی مونده بره تو افق محو شه، یا بره سمت خورشید ذوب شه. پرنس

هه بانمک من ضایع نمی‌کنم کسی رو شما هم هر چقدر دوست دارین ضایع کنین من رو برام مهم نیست.

■ ۰۹۳۸---۵۲۱۶ خوب دوسـتان من دلم گرفتـه باید چکار کنم... یه راهکار بدین... از روزنامه قدس فقط حوادث رو می‌خونم مغزم پوکیده.

برو کتاب بخون.

■ ۰۹۱۵---۳۵۲۳ قراره به طرح تصویب کنن که جواب دادن تو سه و نیم جزء مشـاغل سخت و زیان‌آور محسوب شه والا آخه هر کی جواب میده دیگه خبری ازش نمی‌شه. پرنس

سرمون شلوغ میشه.

■ ۰۹۰۱---۸۳۰۱ سه و نیم امروز پی بردم که هندوانه درخت داره باید من می‌شدم به دانشمند. جایگزین سوژه

بوته داره نه درخت.

■ ۰۹۳۵---۵۷۵۵ سلام... داش احسان کجایی چرا نیستی آهای فاطمه ص تو هم از بچه‌های قدیمی می‌شناسـمت و اما مامانم فقط مامان آرش و اردشیر که فعاله واقعا لاییییییک. رضا مولتی‌میلیاردر جنسیس‌سوار ارشد و بزرگ ستون محبوب دل بچه‌های سه و نیمی

■ ۰۹۳۹---۴۳۹۹ رضا مولتی‌میلیاردر جنسیس‌سـوار ارشد و بزرگ ستون محبوب دل بچه‌های سه و نیم فکر نمی‌کنی اسمت رو مخفف کنی به جاش دو تا پیام دیگه بشه چاپ کرد. مهدیه

همینش خوب است با اسمش.

■ ۰۹۳۵---۸۱۲۴ از همه‌تـون خواهش می‌کنم توجه کنید از سـوژه طرفداری می‌کنم چون هر تازه‌واردی که از راه میاد میشه برضدش و بهش تیکه می‌اندازه... علیرضا کماندو

راست میگه یکی خورده احترام قائل شین واسه بقیه که قدیمین.

■ ۰۹۰۱---۶۷۵۵ عاقا این کریمی تیکه کلام دیگه باید نداره همه‌اش میگه هه فکر می‌کنم یکی داره با چوب می‌زنه تو سرم. مهسام ۱۶ ارشد و بانمک و بچه باحال سوتون

همین تو هم ارشد سوتون؟

■ ۰۹۳۵---۸۱۲۴ کریمی قربون دستت. یعنی رضا دگزا رو خیییییییلی شـیک و مجلسی نابود کردی. این مدیریت حلالت. حسابی کیف کردم با اون جوابی که بهش دادی. اییییول. علیرضا کماندو

ما اینیم دیگه یکدفعه‌ای که حس باشه بد ضایع می‌کنم.

■ ۰۹۳۳---۸۸۲۱ سلام منم پیام تو. گردو

نه برو بعد بیا الان شلوغه.

■ ۰۹۱۵---۵۸۵۲ خانم کالبدشکاف آینده با شماره۰۹۰۱ آخرش ۳۲۳۵ میشه لطف کنی این جایگزین سوژه رو از آخر پیامات حذف کنی من هنوز هستم هر وقت رفتم می‌تونی این کار بکنی ممنون. سوژه ستون

اوه اوه جنگ نشه؟

■